

دیوار بی‌اعتمادی در نیروهای سیاسی



کیومرث اشتریان

«آقای پورمحمدی تو مسئول باشی ما قبول داریم ولی آقایون رو قبول نداریم» این فراز از سخنان آقای پورمحمدی که از قول آقای جلیلی درباره FATF نقل شده است، ارزش نمادین در چالش‌های سیاسی ایران دارد و نشان می‌دهد که چگونه امری به این مهمی به سادگی قربانی بی‌اعتمادی به یکدیگر می‌شود. بی‌تردید این بزرگ‌ترین مشکل روانی در ایران است که ابتدا می‌خواهیم به طرف خود اعتماد کامل داشته باشیمیم تا طرح و برنامه او را قبول کنیم. دیوار بی‌اعتمادی، کشور را از وفاق در تصمیم‌گیری در راستای منافع ملی بازداشته است.

اما مشکل فقط بی‌اعتمادی نیست، تو چنان کفتی که نبودت معتمد/ خود تو را گویم که ره جو از جَرَد. مشکل، ناتوانی درک موضوعات بین‌المللی است، ناتوانی درک سیاست است، ناتوانی درک پیچیدگی‌های اقتصادی است. آن‌گاه که چنین باشد از اعتمادبه‌نفس لازم برای تشخیص سیاسی برخوردار نیستیم. ساده‌لوحانه‌ترین رویکرد این است که بگویید اگر شما باشید قبول دارم، این همان برخوردی است که افراد بی‌اطلاع از امری، چشم و گوش و رای خود را به یک معتمد پای صندوق می‌دهند و می‌گویند «هرکس را دوست داری بنویس». واقعیت این است که بخش مهمی از نزاع‌های سیاسی ایران ناشی از بی‌اعتمادی و هراس‌های این‌چینی است. بنابراین تلاش ما برای حل مسائل داخلی یا چالش‌های خارجی بی‌ثمر می‌ماند. چون برخی توان درک موضوع را ندارند و بنابراین در کلیات می‌مانند و سبب می‌شوند تا نظام تصمیم‌گیری به نتیجه نرسد. آنها می‌ترسند و می‌ترسانند. نتیجه طبیعی ترس، بی‌تصمیمی و ایستادن در یک نقطه و بی‌تحریکی است؛ یعنی همان وضعیتی که اکنون در سیاست خارجی دچار آن هستیم.

بنابراین تلاش ما برای حل مسائل داخلی و موضوعات سیاست خارجی باید مبتنی بر فهم این نکته ظریف روان‌شناسانه باشد بلکه بتوانیم برادرانمان را از این ترس موهوم برهانیم. البته این ممکن نمی‌شود مگر با برخورد جدی فکری با اینان. با تعارف و رودربایستی مشکل اینس برادران حل نمی‌شود. متأسفانه باید «ریش درونشان را به ملامت خراشیدن و نمک پاشیدن» شاید که بیدار شوند. اگر با جدیت برخورد نکنیم، سبب می‌شود که بیشتر در وهم و خیال روانی خود فرو روند و بیشتر بازیچه غیرمستقیم بازیگردانی دیگران شوند. آبی به غایت سرد باید بر سر این خفته ریخت که بیدار شود. با نوازش رخسار آنان با پَر قو نمی‌توان بیدارشان کرد. هر چند مدت‌هاست از مواجهه رودررو فراری‌اند و با تریبون‌های یک‌جانبه در سخنرانی‌های تلویزیونی خو گرفته‌اند. از عبرت‌های روزگار این است که امروزه می‌بینیم بقایای مجاهدین خلق و ملت‌نظامیان بر طبل تحریم انتخابات می‌کوبند تا شاید کاندیدای همین جریان رای بیابود به این خیال که کشور را به نینست و چنگ بکشانند.

بخشی از تبیین اصولگرایی انقلابی در ایران، (حداقل بخشی از نیروهای صادق این جریان) با فهم هراس و ناگاهی آنان امکان‌پذیر می‌شود. نیروی اجتماعی اصولگرایی انقلابی در ایران که شمار قابل توجهی از شهروندان این سرزمین را دربر می‌گیرد، درگیر چنین ذهنیتی است. آنان می‌ترسند. دنیای ساده‌های دارند که مبتنی بر صفر و یک «اعتماد و بی‌اعتمادی ساده‌لوحانه» است که سبب می‌شود تا ایرانیان را به صفر و یک «دوست و دشمن» تقسیم کنند. از این رو هرکس که خودی باشد، حتماً طرح‌های خوبی دارد، مدیر خوبی است، کارآمد است و کارنامه درخشانی دارد، نایفه سیاسی است، جهادی است، در برابر آمریکا مقاومت می‌کند، در تحریم نفت می‌فروشد و… در مقابل هر کسی که مورد اعتماد نیست، سازشگر است، خائن و جاسوس است، ضعیف است، واداده است، نمی‌تواند یا نمی‌خواهد نفت بفروشد، اقتصاد را تخریب می‌کند و… دنیای ساده ایران دنیای «مسئول‌پندیزی و اولویه» است. در ابتدایات

دانش مدیریت باقی مانده‌اند. در کلاس‌های دوره لیسانس اصول و چارچوب‌های کلی مدیریت تدریس می‌شود تا دانشجویان منطری کلی از دانش مربوطه را بیاموزند. اینان هنوز در این چارچوب‌های کلی مانده‌اند و از بیخ و خجای بعدی آن ناگازاند. تصور اینان بر این است که کارشناس دستگاه‌های اجرائی با نظام مدیریتی کشور از این چارچوب‌ها بی‌خبرند. یک کارشناس ساده دستگاه‌های اجرائی هم کم و بیش به این اصول کلی واقف است. وقت کشور را در این ابتداییات تلف کرده و می‌کنند و متأسفانه پوششی از تقدس هم بر آن کشیده‌اند. تقدس به این نیست که دامن خود را از اجرا برکنشیده باشید و سال‌ها منتظر ریاست باشید.

یکشنبه ۳ تیر ۱۴۰۳
۱۶ ذی‌الحجه ۱۴۴۵
۲۳ ژوئن ۲۰۲۴
سال بیست‌ویکم
شماره ۴۸۶۲
۲۰ هزار تومان
۱۲ صفحه

روزنامه

در «شرق» امروز می‌خوانید: درگیری در سخنرانی ظریف؛ راهبرد زدن زیر میز • «چشم‌انداز مبهم» و «قطبی‌نگری» در گفتمان نامزدهای انتخاباتی / سید محمد حسینی



این گزارش رادر صفحه ۲، عنوانبخش عکس، سیدزاکانی، شرق

سفرهای انتخاباتی مسعود پزشکیان با استقبال پرشور و بی‌نظیر مردم سنندج، شیراز و اهواز به نقطه عطفی تبدیل شد

خیزشی ماندگار برای مشارکت

یادداشت

صف آرایی روایت‌ها

تحلیلی روایت‌شناسانه از نخستین مناظره نامزدهای ریاست‌جمهوری

جاویدحسینی

روان بارت در مقاله مشهوری درباره تحلیل روایت گزاره‌ای را مطرح می‌کند که در متون مختلف مربوط به نظریه‌های جدید علوم انسانی بارها از او نقل‌قول شده است: «روایت همه‌جا هست، درست مثل زندگی». مقصود بارت این است که هر وجهی از زندگی روزمره، به‌ نحو تنگاتنگی با روایت و روایتگری درآمیخته است، چندان که می‌توان گفت نشد و معاصر، به‌ویژه در عصر سیطره رسانه‌های نوین، با انواع روایت محاصره شده و هر رودیادی در زندگی اجتماعی را لزوماً براساس روایت‌هایی که در معرض‌شان قرار گرفته است می‌فهمد. به عبارتی، روایت چارچوبی شناختی برای ادراک پدیده‌ها و رخدادها ایجاد می‌کند. بنا به استدلال دیوید هرمن که یکی از برجسته‌ترین نظریه‌پردازان این نخله «روایت‌شناسی شناختی» است، روایت‌ها حکم «جهان‌های ممکن» را دارند. راوی هر روایتی، جهانی ممکن برمی‌سازد و از مخاطب (در جایگاه «روایت‌شنو»)، دعوت می‌کند که با ورود به این جهان و پذیرفتن سازوکارهای شناختی آن، جهان واقعی را هم بر همان اساس (در چارچوب همان روایت) تفسیر کند و بفهمد.

مروری بر اظهارات شش نامزد دوره چهاردهم ریاست‌جمهوری در نخستین مناظره تلویزیونی‌شان، نشان می‌دهد که محتوای بحث‌های آنان اساساً معطوف به روایت‌سازی شناختی بود. هر یک از آنها کوشید تا روایتی قانع‌کننده از مسائل و مشکلات کلان اقتصادی در جامعه ما به دست دهد و مخاطب را به همراهی یا خود (فهم وضعیت اقتصادی کشور در چارچوب ادراکی همان روایت) ترغیب کند. در این موقعیت روایی، نامزدها روایتگر بودند و کسانی‌که این مناظره را از تلویزیون تماشا می‌کردند در جایگاه روایت‌شنو قرار داشتند. در کشورها و فرهنگ‌هایی که از سابقه‌ای دیرینه در تحزب برخوردارند، روایت‌های سیاسی بر اساس ختم‌شی احزاب شکل می‌گیرد و از این رو در چنین مناظره‌هایی جهان‌های ممکنه که بر پایه آن روایت‌ها بنا می‌شوند، کاملاً از هم متمایزند. اما تحلیل روایت‌شناسانه اولین مناظره نامزدهای ریاست‌جمهوری نشان می‌دهد که در فقدان تحزب، آنچه در این مناظره شاهدش بودیم در واقع صف‌آرایی دو روایت اصلی در برابر یکدیگر بود، دو روایتی که اولی پنج راوی مختلف و دومی فقط یک راوی واحد داشت.

امیرحسین قاضی‌زاده هاشمی با روایت خود جهان ممکنه را برمی‌ساخت که مطابق با الزامات ادراکی آن، کافی است‌کار به اشخاص آزمان‌گرا و «متعهد» سپرده شود تا آنها ظرف مدت کوتاهی ما را از همه ناپسامانی‌ها و تنگناهای اقتصادی برهانند. این جمله قاضی‌زاده هاشمی که «اگر کار دست ما باشد، خیلی سریع‌تر از سه روز قضیه بورس را حل می‌کنیم»، درونمایه یا تم اصلی روایت این راوی بود. او با اشاره به رزمندگانی که در جنگ ایران و عراق با جانفشانی جنگیدند، این‌طور نتیجه گرفت که امروز همان نقش آفرینان (یا همان شخصیت‌ها در روایت) می‌توانند وارد میدان اقتصاد شوند و بر مشکلات غلبه کنند. انتقاد او از آقای روحانی هم در واقع حول همین برنهاد (تز) شکل گرفته بود که دولت دوازدهم از روحیه جهادی و ایثارگرانه‌ای که بهترین مصداقش را در دوره جنگ هشت‌ساله می‌توان یافت، فاصله گرفته بود. بی دلیل نیست که این راوی نامزد مکرراً به دولت سیزدهم استناد می‌کرد و مؤکداً اظهار داشت‌ که «وظیفه خود دانستم تا پرچی که شهید رئیسی به دست گرفته بود و حکمرانی جدیدی را به وجود آورده بود، ادامه دهم».

دوست علیرضا زاکانی شباهت چشمگیری با روایت قاضی‌زاده هاشمی



رهبر انقلاب اسلامی

در دیدار مسئولان قوه قضائیه؛

نامزدها از اظهارات

دشمن شادکن پرهیز کنند

برگزیده‌ها

کدام یک با دیگری ائتلاف می‌کند؟

نامزد هفتم

بگذارید والیبال برای مردم بماند

گزارش «شرق» از آخرین وضعیت واکنس استرازنکا و تهدیداتش در ایران

آسترازنکا کشنده بود؟

توصیه‌های احمد توکلی به نامزدهای ریاست‌جمهوری

فرمانده اقتصاد

باید اقتصاددان باشد



اتفاقی خوب برای جایگاه اقتصاد فرهنگ در صنوف کشور

تجلیل از فیروزان در آیین بزرگداشت روز ملی اصناف

یادداشت

قیمت‌گذاری دولتی در بازارمسکن شوخی یا ضرورت؟



ناصرذاکری

کارشناس اقتصادی

چند روز پیش یک کارشناس محترم اقتصاد مسکن قیمت‌گذاری دولتی در این بازار را بی‌فایده و در سطح شوخی دادست زیرا دولت حتی در میدان قیمت‌گذاری کالاهای همگن هم موفق نبوده، چه برسد به کالایی ناهمگن مثل مسکن. از سنوی دیگر به باور ایشان اگر دولت بخواهد در بازار خرید و فروش مسکن قیمت‌گذاری کند، مالکیت خصوصی را از بیخ و بن زیر سؤال می‌برد. از آنجا که نگاه ایشان و همفکرانشان به دلیل جایگاه سازمانی در حوزه تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری بسیار تأثیرگذار است، نگارنده توجه بیشتر به موضوع را لازم می‌داند، با این امید که متولیان حوزه مسکن به دیدگاه‌های معارض با نظر کارشناس خود نیز توجه داشته باشند.

امروزه بسیاری از کارشناسان و اهل فن مداخله دولت در اقتصاد و تلاش برای قیمت‌گذاری دولتی را امری قابل دفاع نمی‌دانند باین‌حال این‌تمام ماجرا نیست. جایگاه مسکن در اقتصاد کشور و تأثیر آن بر بسیاری از شاخص‌های اقتصادی و رفاهی اصلاً قابل مقایسه با بسیاری از کالاهای قیمت‌گذاری دولتی برای آنها تجربه‌ای شکست‌خورده محسوب می‌شود، نیست.

دقیقاً به دلیل اهمیت بخش مسکن، قانون اساسی در اصل ۳۱ برخورداری از مسکن مناسب را حق هر شهروند ایرانی دانسته و دولت و حکومت را ملزم کرده مقدمات لازم را در این مورد فراهم کنند. باین‌حال در طول چند دهه گذشته بی‌اعتنایی دولتمردان به این مهم موجب شده شرایط سکونت برای بخش بزرگی از جمعیت کشور روزه‌روز بدتر و غیرقابل تحمل‌تر شود. اینک نزدیک به ۴۰ درصد جمعیت شهری کشور مستأجر هستند

و دامنه اجاره‌نشینی به روستاها نیز رسیده است. همچنین بیش از ۳۰ درصد جمعیت کشور گرفتار ابله‌در صفحه ۴

از راه‌کنش‌های لازم برای دستیابی به هدف رشد اقتصادی هشت‌درصدی و تأمین بودجه ۲۰۰ میلیارد دلاری‌ای که لازمه آن است، چندین بار بر اجتناب از جناح‌گرایی در انتخاب مدیران تأکید گذاشت و لزوم ایجاد امنیت در سرمایه‌گذاری را برحسته کرد.

مصطفی پورمحمدی بسیار تلاش کرد روایتگری خود را با رنگ‌بویی

مصطفی پورمحمدی بسیار تلاش کرد روایتگری خود را با رنگ‌بویی